

جمهوری اسلامی، الگوی حزب انقلابی

حزب جمهوری اسلامی در اولین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی به منظور خلأ تشکیلاتی میان نیروهای خط امامی تأسیس شد.



حزب جمهوری اسلامی، در اهل بیت، نهادهای بهمن، انقلاب اسلامی، به منظم، خلأ تشکیلاتی، میان، نهادهای، خط امام، تأسیس، شد. بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، جریان اسلامی که به خلأ وجود تشکیلات حزبی در پیکره خود پی برده بود، در تاریخ 1357/11/29، توسط پنج روحانی مبارز یعنی سید محمد حسینی بهشتی، محمدجواد باهنر، سیدعلی خامنه ای، اکبر هاشمی رفسنجانی و عبدالکریم موسوی اردبیلی دست به تشکیل حزبی زدند که گرچه عمر زیادی نداشت اما از همان تاریخ تاکنون تأثیرگذارترین حزب در تاریخ سیاسی معاصر کشورمان بوده است. دکتر بهشتی، دبیرکل این حزب، زمینه تشکیل این حزب را به انگیزه های این گروه از روحانیون، از مدت ها قبل مربوط می داند و معتقد است: «از آنجا که تشکل های دیگر مانند نهضت آزادی، سازمان مجاهدین خلق و... نتوانستند آرمان های روحانیون انقلاب را رهبری کنند و اسلام را به عنوان مکتب تمام عیار مطرح کنند و همچنین با توجه به ضرورت های اجتماعی، تاریخی برای اداره جمهوری نوپای اسلامی، این گروه خود اقدام به تشکیل حزبی مستقل کرد.»

نخستین نام انتخابی برای حزب، «حزب الله» بود که از قرآن گرفته شده بود اما بلافاصله پس از انقلاب، موسسان آن نام «حزب جمهوری اسلامی» را برای تشکل خود انتخاب کردند. دکتر بهشتی درباره علت نامگذاری حزب به «جمهوری اسلامی» می گوید: «ما از همان اول به ایجاد جمهوری اسلامی می اندیشیدیم. تغییر نام «حکومت اسلامی» به «جمهوری اسلامی» از ابتکارات حزب است. حتی شعار، «استقلال آزادی حکومت اسلامی»، که بعداً تبدیل شد به «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، از ابتکارات بنیانگذاران حزب بود که درست هماهنگ بود با افکار امام.»

از نظر خاستگاه اجتماعی اعضا می توان گفت که حزب جمهوری اسلامی دربرگیرنده نیروهای سیاسی - اجتماعی مختلفی همچون، جمعی از روحانی های انقلابی، نیروهای دانشگاهی طرفدار امام خمینی(ره)، جمعیت های مولفه اسلامی، بازاریان مرتبط با نهضت امام در دوران مبارزه، بقایای حزب ملل اسلامی و گروه ها و هیأت های پراکنده مذهبی که علیه نظام پهلوی مبارزه می کردند، بود.

حزب جمهوری در بیانیه خود، «کانون توحید» و برخی از مساجد را به عنوان محل ثبت نام افرادی که تمایل به عضویت در حزب داشتند معرفی کرد. به طوری که در فرصت کوتاهی، هفت میلیون نفر عضو حزب جمهوری اسلامی شدند. حزب بسرعت «انجمن های اسلامی» را برای گسترش نفوذش در سراسر کشور متحد کرد و آنها توانستند در سراسر کشور گسترده شوند؛ به طوری که شاخه هایی از آنها تقریباً در تمام کارخانه ها، کارگاه ها، نهادهای آموزشی و ادارات ایجاد شده بود. همچنین قرار گرفتن مساجد در اختیار حزب و اعتماد امام خمینی به مجموعه رهبران حزب و واگذاری مسئولیت های مختلف به آنها، همگی باعث شد تا حزب بسرعت تا دورترین نقاط کشور بتواند مخاطب بیابد.

کارکردهای حزب جمهوری اسلامی

بی تردید حزب جمهوری اسلامی از موقعی که تأسیس شد تا وقتی که منحل شد تأثیرگذارترین حزب در صحنه سیاسی اجتماعی ایران بوده است. که از اعم کارکردهای حزب عبارتند از:

1. روزنامه جمهوری اسلامی، ارگان این حزب بود؛ که افشاگری های آن در سال های اول انقلاب نقش مهمی در حذف جریان های مخالف، بویژه حزب توده، لیبرال ها و دولت بنی صدر داشت.
2. نقش مهم حزب در برنامه ریزی، مشارکت و اجرای مراسمی چون «روز کارگر»، «روز زن»، حمایت از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در حادثه اشغال «لانه جاسوسی»، نقش برجسته حزب در تصویب اصول قانون اساسی بویژه اصول اقتصادی، قضایی و بالخصوص اصل 110 (ولایت فقیه)، مشارکت سیاسی در برگزاری رفراندوم جمهوری اسلامی و قانون اساسی و انتخابات مجلس، تأسیس و راه اندازی واحدهای مختلفی چون انتشارات، کارگری، دانشجویی، بانوان، اصناف، مهندسان و پزشکان برای سازماندهی و انسجام تشکیلاتی اقشار و صنوف مختلف برای تداوم دستاوردهای انقلاب.
3. روی کار آمدن دولتی مکتبی و حمایت گسترده از آن و منزوی کردن فتنه گران.
4. حزب با تجمع نیروهای کارآمد و تلاش زایدالوصفی که با تشکیل دوره های آموزشی ویژه در تربیت و آموزش نیروهای مجرب مورد نیاز انقلاب انجام داد، توانست در مراکز و سازمان های مورد نیاز افراد کارآمدی را به کار گیرد. اداره بخش قابل توجهی از قوه مجریه و حضور جمعی از نیروها و کادر حزب در کابینه دولت و دیگر سمت ها چون معاونان، مدیران کل، استانداری ها و... و نیز حضور قاطع نیروهای عضو و هواداران در مجلس و نیز ریاست عالی قوه قضائیه را باید از جمله دستاوردهای اساسی حزب قلمداد کرد.

انحلال حزب جمهوری اسلامی

کم کم با از بین رفتن دشمن مشترک، اعضای حزب در مورد مسائل و جهتگیری های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی دچار اختلاف

شدند که این اختلافات باعث شکل گیری جناح های مختلف در حزب شد. یکی از بحث هایی که به نوعی سرآغاز اصلی مناقشات جناحی شد، مساله اصلاحات ارضی، قانون کار و بند موسوم به «ج» بود که در سال 1360 نمود پیدا کرد. برخی از افراد در مورد اصلاحات ارضی و قانون کار، معتقد بودند که مجلس و وکلای مردم حق قانونگذاری ندارند و باید «احکام اولیه» به طور کامل اجرا شود. برخی دیگر با طرح «احکام ثانویه و حکومتی» این حق قانونگذاری را به صورت موقت در اختیار مجلس قرار می داد، این مباحث بتدریج به حوزه اختیارات رهبری هم کشیده شد.

در مورد حدود و اختیارات رهبری، یک جناح معتقد به «ولایت مطلقه فقیه» بودند که براساس آن ولایت فقیه می توانست بنابر مصلحت، احکام اولیه را تعطیل کند (فقه پویا). ولی جناح دیگر معتقد به احکام اولیه بود و احکام حکومتی را بدعت می دانست و حدود اختیارات رهبری را تنها در احکام اولیه تسری می داد (فقه سنتی). اوج این اختلافات در زمینه اقتصادی بود. جناح چپ با توجه به اوضاع کشور بویژه جنگ، تحت تأثیر اندیشه های چپ معتقد به «اقتصاد بسته دولتی» بود ولی جناح راست با توجه به احکام الهی و اولیه و استدلالات خود به «اقتصاد بازار آزاد» اعتقاد داشت. در این اوضاع و شرایط، آیت الله خامنه ای و حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، طی نامه ای، ضمن برشمردن خدمات حزب، ادامه کار حزب را در آن مقطع، بهانه ای برای ایجاد اختلاف و دودستگی و موجب خدشه در وحدت و انسجام ملت دانسته و خواهان موافقت امام خمینی برای تعطیل حزب شدند و با موافقت حضرت امام، کارنامه این حزب سیاسی در سال 1368 بسته شد.